گزارش

فراتر از یک اجلاس؛ چرا سفر پزشکیان به قرقیزستان نقشه جدید «اکوسیستم تجاری» ایران را ترسیم می‌کند؟

بیشکک؛ میدان تازه دیپلماسی ایران

وحیده کریمی: رئیس‌جمهور ایران، در شرایطی روز گذشته وارد بیشکک، پایتخت قرقیزستان شد که هم‌زمانی این سفر با تشدید فشارهای اقتصادی و تحریمی آمریکا، به حضور ایران در بیست‌وششمین اجلاس سازمان همکاری شانگهای اهمیتی فراتر از یک سفر دیپلماتیک معمول بخشیده است. مسعود پزشکیان برای شرکت و سخنرانی در اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای و نشست «شانگهای‌پلاس» به قرقیزستان سفر کرده؛ نشستی که سران قدرت‌هایی مانند چین، روسیه و هند در آن حضور دارند و می‌تواند یکی از مهم‌ترین صحنه‌های دیپلماسی ایران در شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. اجلاس امسال نیز در بیست‌وپنجمین سال تأسیس سازمان همکاری شانگهای و با شعار «۲۵ سال سازمان همکاری شانگهای؛ با هم برای صلح، توسعه و رفاه پایدار» برگزار می‌شود. اهمیت این اجلاس برای ایران را باید در یک واقعیت راهبردی جست‌وجو کرد و آن اینکه تحریم زمانی بیشترین اثر را دارد که بتواند یک کشور را از بازارها، مسیرهای تجاری، منابع مالی و شرکای اقتصادی خود جدا کند. بنابراین مقابله با تحریم صرفا از مسیر مذاکره سیاسی یا اقدامات اقتصادی داخلی نمی‌گذرد، بلکه ایجاد شبکه‌ای متنوع از شرکای تجاری، مسیرهای ترانزیتی، سازوکارهای مالی و بازارهای جایگزین نیز بخشی از راهبرد خنثی‌سازی فشار اقتصادی است. از این منظر، سازمان همکاری شانگهای برای ایران یک «سپر تحریمی» به معنای مطلق نیست، اما می‌تواند یکی از مهم‌ترین بسترهای تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری ایران در برابر فشارهای یک‌جانبه آمریکا باشد. این سازمان اکنون ۱۰ عضو اصلی دارد و کشورهای عضو آن بخش بزرگی از جمعیت و اقتصاد جهان را دربرمی‌گیرند. چین، روسیه، هند، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی در کنار ایران، مجموعه‌ای از ظرفیت‌های بزرگ انرژی، تجارت، ترانزیت، سرمایه‌گذاری و بازار را تشکیل می‌دهند. در چنین شرایطی، حضور رئیس‌جمهور ایران در کنار رهبران این کشورها یک پیام سیاسی روشن نیز دارد و آن این است که ایران در حال تقویت پیوندهای خود با ساختارهای آسیایی و اوراسیایی است و تلاش برای منزوی‌کردن تهران، الزاما به قطع ارتباط ایران با جهان منجر نخواهد شد. البته نباید از این واقعیت نیز غافل شد که سازمان همکاری شانگهای یک ائتلاف ضدآمریکایی نیست و اعضای آن منافع و اختلافات خاص خود را دارند. اما همین واقعیت که قدرت‌هایی با وزن سیاسی و اقتصادی چین، روسیه و هند در یک چارچوب چندجانبه در کنار ایران حضور دارند، برای سیاست خارجی تهران اهمیت ویژه‌ای دارد.

چرا این اجلاس برای ایران اهمیت اقتصادی دارد؟

یکی از مهم‌ترین فرصت‌های ایران در چارچوب شانگهای، عبور از نگاه صرفا سیاسی و امنیتی به سمت همکاری اقتصادی، مالی و ترانزیتی است. ایران از موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فردی برخوردار است؛ از یک سو به آب‌های آزاد و خلیج فارس و دریای عمان دسترسی دارد و از سوی دیگر می‌تواند حلقه اتصال آسیای مرکزی، روسیه، قفقاز، هند و بخش‌هایی از شرق آسیا باشد. در این میان، توسعه کریدور شمال-جنوب اهمیت ویژه‌ای دارد؛ مسیری که می‌تواند روسیه و کشورهای آسیای مرکزی را از طریق ایران به هند و آب‌های اقیانوس هند متصل کند. بنابراین برای تهران، همکاری با اعضای شانگهای فقط به معنای افزایش حجم تجارت دوجانبه نیست، بلکه می‌تواند به معنای قرارگرفتن ایران در قلب شبکه جدید حمل‌ونقل و تجارت اوراسیا باشد. همین مسئله در شرایط تحریم اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. هرچه مسیرهای تجاری ایران متنوع‌تر و شرکای اقتصادی آن بیشتر باشند، امکان اعمال فشار از طریق محدودکردن یک مسیر یا یک بازار کاهش پیدا می‌کند. از سوی دیگر، ایجاد سازوکارهای مالی مستقل از شبکه‌های مالی تحت سلطه آمریکا نیز یکی از موضوعات مهم در همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای عضو شانگهای است. ایران می‌تواند از چنین سازوکارهایی برای گسترش ابزارهای مالی غیرغربی و کاهش وابستگی به نظام مالی دلاری استفاده کند. به همین دلیل، حضور پزشکیان در بیشکک را می‌توان بخشی از یک راهبرد گسترده‌تر دانست که همان کاهش هزینه‌های تحریم از طریق افزایش عمق اقتصادی ایران در شرق خواهد بود.

هند از گسترش تجارت با ایران می‌گوید

یکی از مهم‌ترین دیدارهای دیروز، ملاقات مسعود پزشکیان و نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند بود؛ دیداری که از منظر اقتصادی برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. رئیس‌جمهور ایران در این دیدار با اشاره به ظرفیت‌های گسترده دو کشور، بر ضرورت تقویت همکاری‌های اقتصادی و تجاری تأکید کرد و موضوع خنثی‌سازی آثار تحریم‌ها را نیز مورد توجه قرار داد؛ اما اهمیت این دیدار زمانی بیشتر می‌شود که موضع رسمی طرف هندی را در نظر بگیریم. نارندرا مودی پس از این دیدار اعلام کرد هند به دنبال گسترش و تنوع‌بخشی به روابط تجاری با ایران است. او همچنین بر ادامه دوستی دیرینه دو کشور تأکید کرد و گفت تحولات منطقه و ضرورت حرکت در مسیر صلح نیز از موضوعات مورد بحث دو طرف بوده است. سخنگوی وزارت خارجه هند نیز این دیدار را «سازنده و پربار» توصیف کرد و گفت دو طرف درباره روابط دوجانبه و تحولات غرب آسیا گفت‌وگو کرده‌اند. دهلی‌نو همچنین بر حل مسائل از طریق گفت‌وگو و دیپلماسی و ضرورت حفظ آزادی ناوبری و تجارت تأکید کرده است. این موضع هند برای تهران اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا هند هم یک قدرت اقتصادی بزرگ است، هم یکی از بازیگران مهم آسیایی و هم یکی از شرکای بالقوه ایران در حوزه انرژی، تجارت و ترانزیت. از این منظر، اعلام رسمی نخست‌وزیر هند درباره تمایل به گسترش تجارت با ایران را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیام‌های اقتصادی نخستین روز حضور پزشکیان در بیشکک دانست.

تأکید بر تعمیق روابط با تاجیکستان

در ادامه رایزنی‌های دیروز، پزشکیان با امامعلی رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان نیز دیدار کرد. دو طرف آخرین وضعیت مناسبات تهران و دوشنبه و راه‌های توسعه همکاری‌های مشترک را بررسی کردند و بر استفاده از ظرفیت‌های موجود برای توسعه و تعمیق روابط در حوزه‌های مختلف تأکید داشتند. اهمیت این دیدار از آن روست که آسیای مرکزی برای ایران فقط یک حوزه همسایگی دوردست نیست، بلکه می‌تواند یکی از بازارهای مهم صادراتی و یکی از مسیرهای توسعه ترانزیت ایران باشد.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

روایت «شرق» از دور تازه تنش‌ها میان تهران و واشینگتن، هم‌زمان با تداوم سیاست فشار اقتصادی ترامپ

پازل جنگ و تحریم

عکس: عطا کنارد، AFP

عبدالرحمن فتح‌الهی: در پی حمله تازه آمریکا به جزیره لارک و اعلام خبر شهادت و مجروحیت شماری از نیروهای کشورمان، دور تازه‌ای از تنش و درگیری مستقیم میان ایران و ایالات متحده آغاز شد که واکنش متقابل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در منطقه را به همراه داشت. الجزیره به نقل از یک مقام آمریکایی مدعی شد نیروهای آمریکایی روز یکشنبه به دو سامانه راکت‌انداز موشکی ایران در جزیره لارک حمله کرده‌اند. این مقام مدعی شد این سامانه‌ها در حال آماده‌سازی برای شلیک موشک‌های حامل مین‌های دریایی به سمت تنگه هرمز بوده‌اند. هم‌زمان، گزارش‌هایی از شنیده‌شدن صدای انفجار در حوالی جزیره لارک منتشر شد. فارس شامگاه یکشنبه اعلام کرد علت و محل دقیق انفجار در دست بررسی است و تسنیم نیز از حمله پهپادی به این جزیره خبر داد. گزارش‌های اولیه غیررسمی از شهادت دو نفر و مجروح‌شدن شماری دیگر حکایت داشت. روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای، حمله به لارک را تجاوزکارانه توصیف و اعلام کرد این اقدام با پاسخ نیروهای مسلح ایران و «تنبیه متجاوز» همراه خواهد شد. در ادامه، سپاه پاسداران اعلام کرد در پاسخ به حمله آمریکا، مواضع و محل استقرار نیروهای آمریکایی در دو پایگاه ملک حسین و الازرق در اردن با موشک‌های بالستیک هدف قرار گرفته است. ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز از حمله پهپادی به محل استقرار بالگردها و نیروهای آمریکایی در پایگاه المنهاد امارات خبر داد. روابط عمومی سپاه همچنین اعلام کرد یک فروند پهپاد آمریکایی MQ-9 بر فراز تنگه هرمز هدف قرار گرفته و سقوط کرده است. در بیانیه دیگری نیز سپاه از وقوع آتش‌سوزی در یک سوپرنفتکش متخلف در پی اصابت دو مین دریایی خبر داد. در همین حال، خبرنگار الجزیره در واشینگتن، حمله آمریکا به لارک را نخستین حمله این کشور علیه ایران پس از بیش از یک ماه عنوان کرد و گفت حملات متقابل، تلاش‌های دیپلماتیک برای یافتن راهی برای پایان درگیری را با چالش تازه‌ای روبه‌رو کرده است.

موج سینوسی آمریکا از تنش نظامی تا تحریم و محاصره دریایی

دور تازه زدوخوردهای تهران و واشینگتن در شرایطی رخ داده که طی روزهای گذشته نشانه‌هایی از تغییر رویکرد آمریکا از عملیات نظامی گسترده به سمت فشار اقتصادی و تحریم‌های بیشتر، ذیل سیاست طرد اقتصاد ایران با رمز «روز دی اقتصادی» مشاهده شده بود. دراین‌باره، «دیلی‌بیست» به نقل از منابع آگاه، گزارش داد رئیس‌جمهور آمریکا در حالی که درگیری با ایران وارد هفتمین ماه خود شده، ظاهرا بیش از گذشته به رویکرد اقتصادی برای حل این بحران متمایل شده و نقش اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری، در جلسات مرتبط با جنگ افزایش یافته است. براساس این گزارش، اگرچه پیت هگست، وزیر دفاع، همچنان در جلسات توجیهی «اتاق وضعیت» حضور دارد، اما ترامپ اکنون توجه بیشتری به دیدگاه‌های بسنت نشان می‌دهد. یک منبع آگاه با توصیف این تغییر گفته است «فضا تغییر کرده» و دیگر نمی‌توان صرفا با فشار نظامی ایران را وادار به امتیازدهی کرد. این تغییر رویکرد پس از افزایش نگرانی‌ها درباره کاهش ذخایر مهمات آمریکا و ناکامی در دستیابی به اهداف اعلام‌شده جنگ رخ داده است. گزارش می‌افزاید آمریکا از اواخر جولای حملات علنی علیه ایران را متوقف و به‌جای آن فشارهای اقتصادی و تحریمی را تشدید کرده است. بسنت با استفاده از اختیارات وزارت خزانه‌داری، بر درآمدهای نفتی ایران و منابع مالی جمهوری اسلامی تمرکز کرده است. با این حال، کاخ سفید تأکید کرده هگست همچنان نقش مهمی در سیاست آمریکا در قبال ایران دارد و وزیران از جایگاه برابری نزد ترامپ برخوردارند.

در یک خط خبری موازی، «واشینگتن‌پست» هم مدعی بود: «یک ارزیابی محرمانه اخیر پنتاگون درباره تداوم عملیات نظامی آمریکا در خاورمیانه، نسبت به فرسایش توانمندی‌های نظامی این کشور و کاهش آمادگی آن برای مقابله با تهدیدات در سایر نقاط جهان هشدار داده است». براساس این گزارش، شماری از فرماندهان ارشد نظامی آمریکا با تمدید مأموریت نیروها و تجهیزات اختصاص‌یافته به جنگ ایران مخالفت کرده‌اند و معتقدند ادامه این وضعیت، توان عملیاتی فرماندهی‌های آمریکا در اروپا، اقیانوس آرام و آمریکای جنوبی را محدود کرده است. رئیس عملیات نیروی دریایی آمریکا نیز هشدار داده است نیروی دریایی قادر به حفظ سطح کنونی پشتیبانی از عملیات ایران نیست، به‌ویژه آنکه زمان مشخصی برای پایان جنگ وجود ندارد. بنابر این ارزیابی، فقط حدود یک‌چهارم ناوشکن‌های نیروی دریایی آمریکا آماده اعزام هستند. این گزارش همچنین از کاهش ذخایر موشک‌های رهگیر پاتریوت و تاد، کاهش ذخایر موشک‌های کروز تاماهاک، از دست رفتن بخشی از پهپادهای ریپر و خسارات میلیارد دلاری به پایگاه‌های آمریکا در منطقه خبر می‌دهد. با وجود این فشارها، استقرار بخشی از نیروهای آمریکایی در خاورمیانه تا سال‌های آینده ادامه خواهد داشت و دولت ترامپ همچنان گزینه نظامی علیه ایران را منتفی نکرده است.

محسن جلیلوند: ترامپ یک جنگ هیبریدی و چندبعدی را علیه ایران پیش می‌برد

دکتر محسن جلیلوند در گفت‌وگو با «شرق»، ذیل نگاهی صریح و مبتنی بر موازنه قوای واقعی، بر این باور است: «ریشه تقابل کنونی ترامپ با ایران، نه در پیروزی‌های موقت و تاکتیکی، بلکه در سنجش میزان تاب‌آوری مادی و اجتماعی طرفین نهفته است». لذا این استاد دانشگاه متذکر می‌شود: «تقلیل این رویارویی چندبعدی به ابعاد صرفا نظامی مانند دور تازه درگیری‌ها یا سناریوهای صوری مانند «روز دی» اقتصادی، خطای استراتژیک در ارزیابی همه‌جانبه سیاست خارجی ایالات متحده است». جلیلوند در ادامه تحلیل خود، فرضیه تمرکز انحصاری آمریکا بر ابزار محاصره اقتصادی و سیاست طرد اقتصادی ایران موسوم به «روز دی اقتصادی» و نیز تمرکز یک‌جانبه بر حملات نظامی علیه ایران را به چالش می‌کشد و تأکید می‌کند: «تقابل واشینگتن با تهران از اساس جنگی چندبعدی است که تمامی ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، تجاری، دیپلماتیک، امنیتی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد». به باور او: «ایالات متحده از تمامی این ابعاد به طور هم‌زمان برای اعمال فشار بر تهران استفاده می‌کند. لذا به موازات جنگ اقتصادی و تداوم محاصره دریایی ایران، کماکان گزینه حملات نظامی پراکنده با هدف تشدید فشارها بر ایران روی میز آمریکایی‌هاست. بر این اساس، تلاش برای تعریف این منازعه در قالب یک بعد منفرد، با واقعیت همخوانی ندارد».

تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل این را هم یادآور می‌شود: «برآورد کارشناسان آمریکایی بر مبنای تشدید محاصره اقتصادی، ایجاد یک شوک فلج‌کننده و سوق‌دادن اقتصاد کشور به سمت فروپاشی در یک بازه زمانی چهار تا شش‌هفته‌ای است. در چنین شرایطی، کشور بر سر یک دوراهی سرنوشت‌ساز و گریزناپذیر قرار می‌گیرد: یا باید با اتکا به ابزارهای خود، نظیر تنگه هرمز، سطح تقابل را بالا ببرد که طبیعتا به درگیری نظامی منجر می‌شود، یا اینکه مسیر مذاکره را انتخاب کند؛ چراکه تداوم وضعیت فرساینده «نه جنگ و نه صلح» اساسا ناممکن است و به بن‌بست ختم می‌شود». یکی از ابزارهای سنتی چانه‌زنی و فشار ایران در تقابل با محاصره اقتصادی، تهدید یا اقدام به انسداد تنگه هرمز بوده است که جلیلوند با ارزیابی انتقادی این ابزار استراتژیک می‌گوید: «گرچه ایران به لحاظ موازنه هزینه چاره‌ای جز تحمیل هزینه متقابل به طرف مقابل نداشت، اما این تصمیم عملا مانند یک بومرنگ عمل کرده و اثر بومرنگی داشته است. چون مسدودکردن تنگه هرمز که مقامات سیاسی و نظامی از آن سخن می‌گویند، برخلاف تصورات اولیه نه‌تنها قیمت جهانی نفت را به مرز پیش‌بینی‌شده ۲۰۰ دلار نرساند، بلکه قیمت‌ها همچنان زیر ۹۰ دلار باقی ماند».

استاد روابط بین‌الملل در تشریح نکته یادشده باور دارد: «علت اصلی این ناکامی محاسباتی، به نقش بازیگران کلیدی همچون چین بازمی‌گردد. پکن به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی جهان، هرگز اجازه صعود سرسام‌آور قیمت نفت به بشکه‌ای ۲۰۰ دلار را نمی‌دهد و با تمام ابزارهای استراتژیک خود بازار را مهار می‌کند. در این میان، بومرنگ اقدام ایران این بود که تهدید منطقه‌ای را به یک معضل و تهدید جهانی تبدیل کرد و ائتلافی بین‌المللی را در مقابل کشور شکل داد، بی‌آنکه عایدی اقتصادی مشخصی به همراه داشته باشد».

بخش دیگری از تحلیل جلیلوند به نقد جدی استراتژی تعلیق تصمیم‌گیری‌ها در تهران تا انتخابات پاییز اختصاص دارد. استراتژی مبهمی که با امید به تغییر کنگره آمریکا یا رفتن بنیامین نتانیاهو بنا شده است و این استاد دانشگاه هشدار می‌دهد: «گره‌زدن سرنوشت دیپلماسی به پیروزی دموکرات‌ها در واشینگتن یا جناح‌های رقیب در اسرائیل، ناشی از خطای محاسباتی بزرگ و عدم درک واقعیت است». او با قاطعیت می‌گوید: «دموکرات‌ها حتی با برتری در انتخابات پیش‌روی کنگره هرگز قائل به تغییر راهبرد نظامی و امنیتی آمریکا در هیچ جای دنیا و علی‌الخصوص خاورمیانه نیستند و به‌هیچ‌وجه ایالات متحده نیروهای نظامی خود را از منطقه غرب آسیا خارج نخواهند کرد».

همچنین به تعبیر جلیلوند: «انتخابات کنست اسرائیل هم چنین وضعی دارد و بررسی برنامه‌ها و نسخه‌های انتخاباتی جناح‌های رقیب نتانیاهو، یعنی نفتالی بنت، نشان می‌دهد او نیز در قبال ایران مواضع به‌مراتب تندروتر، تهاجمی‌تر و با ادبیات متفاوتی دارد. بنابراین، تکیه بر تغییرات جناحی در جبهه مقابل و فریزکردن معادلات انتخابات کنگره، نوعی خوش‌بینی کاذب است و گشایشی در راهبرد مهار همه‌جانبه علیه ایران ایجاد نخواهد کرد». کلیدی‌ترین فراز تحلیل جلیلوند، مفهوم کلیدی «تاب‌آوری مادی» در برابر ساختار اقتصادی جهان است که این کارشناس به‌صراحت هشدار می‌دهد: «در نهایت، در این نبرد فرسایشی تفنگ‌ها سرنوشت را تعیین نمی‌کنند، بلکه برنده نهایی طرفی خواهد بود که از تاب‌آوری معیشتی، اجتماعی و مادی بالاتری برخوردار باشد».

امیرعلی ابوالفتح: حملات تازه آمریکا به جنوب ایران بخشی از همان راهبرد فشار بر تهران است

دور جدید تنش نظامی میان تهران و واشینگتن وضعیت مبهم فعلی را پیچیده‌تر کرده است و در این بین تلاش برای کالبدشکافی مواضع تازه ترامپ، مسیر آینده این تقابل را وارد ریل دیگری کرده که در همین راستا امیرعلی ابوالفتح باور دارد: «برای درک واقعی سیاست‌های آمریکا و دولت ترامپ نباید صرفا به لفاظی‌های رسانه‌ای و اظهارات ضدونقیض رئیس‌جمهور ایالات متحده بسنده کرد». این مدرس دانشگاه طی تحلیلی جامع، ابعاد گوناگون این نبرد فرسایشی از راهبرد دوگانه فشار نظامی-اقتصادی گرفته تا واقعیت‌های فضای سیاسی داخل ایالات متحده را تشریح می‌کند. کارشناس حوزه آمریکا با اشاره به آشفتگی ظاهری در گفته‌های ترامپ باور دارد: «اظهارات او مملو از ابهام، تناقض و سردرگمی است و مبدأ قراردادن این گفته‌ها تحلیلگر را به بیراهه می‌برد. اما فراتر از این هیاهوهای لفظی، راهبرد کلان ایالات متحده بر یک اصل ثابت استوار است که همان تشدید مستمر فشار خواهد بود». این تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل تأکید می‌کند: «هم‌زمانی کارزار نظامی و فشارهای اقتصادی یک استراتژی یکپارچه است؛ فعال‌بودن اهرم نظامی هرگز به معنای عقب‌نشینی از فشار اقتصادی نبوده و برعکس، تمرکز بر تضییق مالی نیز به معنای خروج گزینه نظامی از دستور کار نیست».

به تعبیر استاد روابط بین‌الملل: «این دو بازوی فشار همواره به موازات هم پیش می‌روند و فقط سهم و وزن آنها در بازه‌های زمانی مختلف تغییر می‌کند. در شرایط کنونی هم‌زمان با تشدید فشارهای اقتصادی، شاهد عملیات‌های ادعایی و محاصره‌های دریایی هستیم که طرفین را در یک زنجیره از واکنش‌های متقابل قرار می‌دهد». لذا ابوالفتح هشدار می‌دهد: «اقدامات تلافی‌جویانه ایران در برابر تعرضات آمریکا می‌تواند بار دیگر سناریویی مشابه نبرد هرمز را تکرار کند و سطح تنش‌ها را به مراحل خطرناک‌تری سوق دهد؛ فارغ از اینکه ترامپ در شبکه‌های اجتماعی چه تصاویری از خارک منتشر کند، راهبرد پایه‌ای واشینگتن مبتنی بر واردآوردن هم‌زمان فشارهای اقتصادی و نظامی است». بخش دیگری از تحلیل ابوالفتح به هم‌زمانی تنش‌های تازه با رویدادهای دیپلماتیک بین‌المللی اختصاص دارد و پیرو نکته مذکور، برخی ناظران معتقدند هم‌زمانی حملات آمریکا با نشست سران گروه ۲۰ (G20) با هدف تبدیل پرونده ایران به اولویت مشترک جهانی بوده است که البته ابوالفتح با نگاهی واقع‌گرایانه به ترکیب گروه ۲۰ می‌نگرد و اشاره می‌کند: «مواضع اکثر اعضای این گروه از پیش مشخص است؛ کشورهای اروپایی، ژاپن، کانادا، استرالیا و حتی برخی بازیگران منطقه‌ای نظیر ترکیه و عربستان تکلیف موضع‌گیری‌شان روشن است».

بنابراین، این مدرس دانشگاه معتقد است: «هدف اصلی از این دست فضاسازی‌ها، تحت تأثیر قراردادن مواضع چین است؛ چراکه پکن بازیگری کلیدی در مناسبات اقتصادی ایران به شمار می‌رود و برای چینی‌ها کاملا آشکار است آمریکایی‌ها از طریق عملیات‌های اقتصادی خود چه اهدافی را دنبال می‌کنند». ابوالفتح اگرچه ارتباط مستقیم و عمدی این هم‌زمانی بین حملات تازه آمریکا و نشست گروه ۲۰ را با قاطعیت رد یا تأیید نمی‌کند، اما تأکید دارد: «اعضای گروه ۲۰ به‌خوبی از اهداف و سناریوهای آمریکا آگاه‌اند و نیازی به این‌گونه زدوخوردهای میدانی برای اتخاذ جهت‌گیری ندارند».

یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در فضای سیاسی داخلی ایران، گمانه‌زنی درباره راهبرد تعلیق مذاکرات از جانب تهران به امید شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات پیش‌روی کنگره در آبان‌ماه سال جاری و قدرت‌گیری مجدد دموکرات‌هاست که ابوالفتح وجود چنین استراتژی رسمی در تهران را صرفا گمانه‌زنی رسانه‌ای می‌داند و با نگاهی عمیق‌تر، ماهیت روابط دو کشور را تحلیل می‌کند. او خاطرنشان می‌کند: «اولا دیپلماسی میان تهران و واشینگتن هرگز متوقف نشده است؛ حتی زمانی که به‌ظاهر از عدم مذاکره سخن گفته می‌شود، تبادل پیام‌ها از طریق ابزارهای غیرمستقیم مانند توییت‌های وزیر امور خارجه، موضع‌گیری‌های رسانه‌ای و سخنرانی‌ها جریان دارد که همگی بخشی از یک فرایند دیپلماتیک چندده‌ای میان دو کشور هستند».

او در ادامه آب پاکی را روی دست کسانی می‌ریزد که به تغییرات اساسی پس از انتخابات کنگره و محدودشدن ترامپ در قبال جنگ نظامی علیه ایران دل بسته‌اند. از دید کارشناس ارشد مسائل آمریکا: «حتی در صورت پیروزی دموکرات‌ها و کسب اکثریت در کنگره، تغییر معناداری در راهبرد کلان دولت مستقر ایجاد نخواهد شد؛ چون دموکرات‌ها نه دلسوز ایران هستند و نه لزوما مخالف جنگ. ضمنا هسته اصلی حزب دموکرات در مسائلی چون برنامه‌های هسته‌ای، توان موشکی و پهپادی ایران و همچنین موضع جمهوری اسلامی در قبال اسرائیل، با جمهوری‌خواهان هم‌نظر بوده و مایل به تداوم فشارها هستند. علاوه بر این، به لحاظ تقویم سیاسی، حتی در صورت پیروزی دموکرات‌ها، تشکیل کنگره جدید تا ژانویه سال تازه میلادی، یعنی اواخر سال فعلی شمسی (دی و بهمن‌ماه سال جاری) به طول می‌انجامد و در نهایت نیز دموکرات‌ها، علی‌رغم تمام نقدهای خود به ترامپ، بودجه‌های جنگ و نظامی را تصویب خواهند کرد؛ لذا هرگونه دل‌بستن به این چرخش‌های جناحی، برآوردی نادرست و غیرواقع‌بینانه است».

در نهایت ابوالفتح به تلاش‌های تبلیغاتی دونالد ترامپ برای اعلام پیروزی یک‌جانبه اشاره می‌کند. برخی تحلیل‌ها حاکی از آن است که ترامپ مایل است پس از اقدامات مقطعی در تنگه هرمز، اعلام پیروزی کرده و پرونده ایران را رها کند که این کارشناس با لحنی صریح خاطرنشان می‌کند: «ترامپ اساسا دچار کمبود اعلام پیروزی نیست و همواره در مورد هر موضوع بی‌ربط داخلی و خارجی ادعای پیروزی‌های بزرگ دارد. با این حال، افکار عمومی جهان و حتی بخش بزرگی از مردم ایالات متحده این ادعاها را باور نمی‌کنند». به زعم او: «واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد ساختار و توانمندی‌های راهبردی ایران شامل برنامه هسته‌ای، ظرفیت‌های موشکی و پهپادی، نفوذ منطقه‌ای و ابزارهای ژئوپلیتیک آن در تنگه هرمز همچنان دست‌نخورده باقی مانده است. از این رو، هرگونه ادعای ترامپ مبنی بر حل نهایی بحران یا گشودن قطعی مسیرهای مواصلاتی دریایی، با واقعیت‌های جاری همخوانی ندارد و خللی در اراده و توان راهبردی ایران ایجاد نخواهد کرد. در این نبرد پیچیده، تا زمانی که ریشه‌های اصلی اختلاف حل‌وفصل نشود، چرخ تنش‌ها همچنان خواهد چرخید».

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران
(سهامی خاص)

شناسه : ۲۲۶۳۰۲۸

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی شماره ۱۵۶/ج م /۱۴۰۵ مربوط به خرید ۰۹ قلم انواع لوله استیل TP۳۱۶L بدون درز سایز ۱/۲ الی ۱۰ اینچ – درخواست شماره ۰۴۰۱۲۹۴ (نوبت اول)

شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه خرید ۰۹ قلم انواع لوله استیل TP۳۱۶L بدون درز سایز ۱/۲ الی ۱۰ اینچ به شماره (۲۰۰۵۰۹۲۶۶۰۰۰۰۳۱۳) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ الی ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ می باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد. حداقل امتیاز ارزیابی کیفی ۵۵ امتیاز می باشد.
شرکت ها و موسسات دانش بنیان در مناقصات و عرضه کالاهای دانش بنیان ساخت داخل دستگاه های اجرایی حائز اولویت می باشند.
مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی تاریخ : ۱۴۰۵/۰۶/۲۹
مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی تاریخ : ۱۴۰۵/۰۷/۱۲
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار : آدرس : گچساران - فلکه الله - شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران - تلفن : ۳۲۲۲۴۴۱۲ - ۳۱۹۲۱۸۲۶ - ۰۷۴
مرکز تماس سامانه ستاد : ۴۱۹۳۴-۰۲۱
دفتر ثبت نام سامانه ستاد : ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای انجام « خرید سرور، فایروال و تجهیزات مرکز داده » مورد نیاز سازمان هدفمندسازی یارانه ها

سازمان هدفمندسازی یارانه ها در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای، نسبت به انجام **خرید سرور، فایروال و تجهیزات مرکز داده** به شماره مناقصه (۲۰۰۵۰۰۳۱۴۱۰۰۰۰۰۲) از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نماید.کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت و بازگشائی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir قابل اقدام می باشد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱۴۱۹۳۴ داخلی ۴
* **مهلت زمان دریافت اسناد مناقصه از سایت سامانه(ستاد):** از ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ لغایت ساعت ۱۶:۰۰روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۲
* **پایان مهلت زمان ارائه پیشنهاد قیمت و بارگذاری اسناد:** ۰۸:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳
* **زمان بازگشایی پاکتهای مناقصه:** ساعت ۰۹:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت کنندگان در مناقصه جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت ها به نشانی: تهران- خیابان فلسطین شمالی- پایین تر از تقاطع زرتشت- نبش کوچه دانش کیان- سازمان هدفمندسازی یارانه ها مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی - تلفن ۰۹۱۵۳۰۶۲۲۴۰ (آقای رضا کلانتری) مراجعه نمایند.
تذکر: طبق مقررات، شرکت کنندگان باید علاوه بر انجام بارگزاری اسناد مناقصه در سامانه تدارکات دولت(ستاد)، در مهلت مقرر پاکت (الف) شامل اصل ضمانتنامه را نیز تحویل واحد پشتیبانی سازمان نمایند.
شناسه آگهی ۲۲۶۲۸۳۳ م الف ۱۷۷۳